

شخصیت ها و جریان‌ات شمال افریقا و لبنان



دکتر عباس خامنه یار

شمال آفریقا، مغرب عربی، الجزایر، تونس، مراکش، تا حدودی لیبی، سودان و مصر به شدت متأثر از تصوف هستند اگر بخواهیم راجع به تقریب آنها صحبت کنیم نیاز به تلاش مضاعف ندارد زیرا این کشورها محب اهل بیت(ع) هستند.

بنده سالها قبل به مراکش رفتم و در دانشگاه مراکش سخنرانی داشتم به همراه دکتر انوار استاد دانشگاه در جشن هایی که در مصر از سوم شعبان برای میلاد امام حسین گرفته می شود؛ همه نشان دهنده عمق محبت به اهل بیت(ع) در کشور مصر و دیگر کشورهای آفریقایی دارد.

سحرها در رادیو مصر در ایام ماه مبارک رمضان برنامه های متعددی در زمینه اهل بیت و ولادت امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) پخش می کنند. در واقع تمامی کشورهای آفریقایی که در آنها تصوف وجود دارد ریشه های اهل بیتهی هم وجود دارد.

اما در شبه قاره برای ارائه مفاهیم تقریبی باید راهبردی جداگانه داشت اقبال، مودودی و مددی هر کدام از طلایه‌داران قاره هستند ما در آن کشورها با یک پدیده جدید مواجه شدیم و بعد از بهار عربی این پدیده شدت پیدا کرد و این پدیده چرخش وهابیت اعتقادی و مذهبی به وهابیت سیاسی بود یعنی دعوی آنها با ما بر سر مبانی اعتقادی بود اما بعد از بهار عربی وهابیت یک پدیده سیاسی شد که امروزه دنبال سهم خواهی های سیاسی و قدرت هستند برای نمونه سخنرانی تند آقای مرسی در تهران نشان مطالبات حزب نور سلفی در مصر است، یعنی هدف او جلب رضایت وهابیت سلفی در مصر است که جنبه سیاسی و قدرت طلبی پیدا کرده است.

ما در بحث شامات و لبنان با قواعد متفاوت تری مواجه هستیم ما بدون شناخت اندیشه های اخوان المسلمین نمی توانیم طراحی دقیقی داشته باشیم؛ همه فارغ التحصیلان و اندیشمندان و علما، فارغ التحصیلان مکتب اخوان المسلمین هستند و وابستگی فکری به اخوان المسلمین دارند.

حتی اگر امروز جریان اخوان المسلمین آسیب ببیند و از نظر سازمانی و تشکیلاتی دچار آسیب شود اما تفکر و اندیشه اخوان المسلمین باقی خواهد ماند زیرا اسلام سیاسی در جهان اهل سنت بدون اندیشه های اخوان المسلمین هیچ است.

باید در برنامه ها مان زیرساخت جریان اسلام سیاسی اهل سنت که همان اخوان المسلمین است به عنوان یک واحد درسی ارائه شود، اخوان المسلمین یک تاریخ ۹۰ ساله دارد که به اوج رسید اما به سرعت افول کرد و نتوانست مرحله بالندگی را حفظ کند.

ما در بخش های مختلف جغرافیای جهان اسلام قبل از هر اقدامی باید زیرساخت های فکری آن منطقه را بشناسیم؛ حوزه تصوف، حوزه وهابیت مذهبی و سیاسی، حوزه تقریبی. بنیانگذاران در اسلام سیاسی اخوان المسلمین بودند و ما هیچ جریان سیاسی بدیلی برای اخوان المسلمین در جهان اسلام نداریم.

نزدیکترین، منطقیترین و معتدل ترین جریان سیاسی اهل سنت به لحاظ فکری با ما اخوان المسلمین است. علیرغم ناملایماتی که در سالهای اخیر پیش آمده حتی مقام معظم رهبری هم در این زمینه توصیه هایی را به شورای عالی سیاست خارجی داشتند. این نشان می دهد که مقام معظم رهبری همچنان مثل گذشته به تاثیرگذاری اخوان المسلمین اعتقاد دارند به عبارت دیگر قدم اول، شناخت جامعه شناسانه این گرایش ها است.

در حوزه میدانی شیخ سعید شعبان یا شیخ احمد زین که هر کدامشان با برخورد های اعتقادی به وحدت اعتقاد داشتند. شیخ احمد زین به جریان مقاومت اعتقادی راسخ داشت که در طرابلس در مقابل نیرو های دشمن ایستادگی کرد.

یکبار برای بزرگداشت شهید احمد زین به همراه دکتر شهریاری خدمت سید حسن نصرالله بودیم سید حسن نصرالله گفت: اگر اهل سنت نبودند ما در سوریه هیچ کاری نمی توانستیم بکنیم. در لبنان چهره های اصلی اینها هستند شخصیت هایی مانند شیخ سعید شعبان، شیخ احمد زین، عبدالله جبری همه اینها از چهره های تاثیر گذار برای ایجاد وحدت هستند که با محور مقاومت هم همکاری داشتند و همه اینها کم و بیش فارغ التحصیل مکتب اخوان هم هستند بنده قدم اول را بررسی تفکر، جایگاه و عملکرد این شخصیت ها می دانم.

در مورد لبنانی ها راحت تر میتوان در موضوعات سیاسی صحبت کرد زیرا با آنها چالش های مشترک میدانی داریم و درک مشترکی هم از دشمنی با اسرائیل بین ما و لبنانی ها وجود دارد.

اما نگاه برای تعامل یا مذاکره با سعودی ها متفاوت است یعنی مذاکره با وهابیت نیاز به ادبیات خاص دارد همچنین برای مذاکره و حوار با کشورهای شمال آفریقا مثل مصر هم به علت وجود همگرایی نسبی مذهبی می توان به نقاط مشترک بیشتری رسید.

امثال محمد عبود و سید جمال الدین اسدآبادی از پیشگامان تقریب هستند تاکنون در مورد اندیشه ها و فعالیت های آن ها مطالب بسیار متعددی گفته شده و کتاب های مختلفی تعریف شده اما بعضی شخصیت ها هستند که شناخته شده نیستند اما دارای تفکرات عمیق در زمینه وحدت یا اصلاح جامعه هستند مرحوم شیخ عبدالله دلایلی از اهل سنت است اما نظرات بسیار تامل برانگیز در مورد شخصیت امام حسین علیه السلام دارد که متأسفانه مغفول مانده یا شخصیتی مثل شرقاوی در مصر که آن نماینده را در مورد امام حسین (ع) نوشته است ببینید این شخصیت ها چگونه مردم را در مورد امام حسین (ع) به وجد می آورند .

امام خمینی در صحیفه هیچگاه از کلمه تقریب استفاده نمی کرد همیشه از وحدت یاد می کردند یا اسرائیل غاصب را غده سرطانی نامیدند که اگر مسلمین یک سطل آب بریزند اسرائیل را آب می برد یعنی از ادبیات استفاده می کردند که برای همه مردم ملموس بود.

الان اخوان المسلمین دچار یک بحران نسبی است به دلیل سرکوب و زندانی شدن بیش از ۴۰، ۵۰ هزار اخوانی در مصر و مرگ بسیاری از رهبران اخوان در زندان به خصوص راهی منیر که چندی پیش در زندان فوت کرد.

یک شکاف مجددی در اخوان به وجود آمد اخوان قطری‌ها، اخوان ترکها و اخوان لندنی ها دچار شکاف شدند هرچند می‌توانیم از این فضا به عنوان یک فرصت برای ارائه اندیشه های خود استفاده کنیم .

جماعت اسلامی لبنان که حدود دو دهه اخیر با ایران و حزب الله کمی زاویه پیدا کرده بود اکنون نگاه ملایم‌تری پیدا کردند و امروز را شرایط بهتری نسبت به سال های قبل می بینم. حزب الله هم در سال‌های اخیر نظر مساعد تری نسبت به اخوان المسلمین پیدا کرده است با آمدن جماعت اسلامی این جزایر تقریبی بهم نزدیک شده اند.

بنده در روز اول کاری در رایزنی لبنان به جمع تجمع علمای لبنان رفتم و برنامه های کاری خود را برای آنها توضیح دادم و گفتم تجمع علما مسلمین یک تجربه ارزشمند است. بنده با با کمال میل در خدمت و همکاری شما هستم.

به واقع هر کدام از علمای لبنان یک جریان هستند؛ عبدالله جبری یک جریان است ، آقای ماهر حمود یک جریان است و البته که همه اینها زیر پرچم تجمع علما مسلمین جمع شدند. البته که علاوه بر اینکه ما باید با تجمع علما رابطه داشته باشیم با هر کدام از شخصیت ها و عالمان موجود در لبنان هم باید روابط گسترده‌ای داشته باشیم.

باید این جزایر پراکنده تقریبی را سازماندهی کنیم تمامی این افراد خیلی سخت به قواعد و قوانین موجود در تجمع علما پایبند هستند در آنجا ضوابط منظمی وجود دارد . سید حسن نصرالله هم در آنجا نماینده دارد انتخابات مرتب برگزار می شود و ضوابطی که مورد تایید همه اعضا است. در واقع توازنی بین شیعه و سنی در تجمع علما وجود دارد.

در لبنان اگر کسی حتی چند روز وزیر یا نماینده مجلس شود مادام العمر آن سمت را یدک می کشد در چنین بافتی که تجمع علما لبنان دارد یک طرافت خاص برای همکاری ها نیاز است و باز هم تکرار می کنم باید با هر کدام از شخصیت های لبنانی به صورت مجزا وارد گفتگو شد؛ برای نمونه آقای جبری همچون پدر خود گرایشی آموزشی دارد یا جبهه العمل گرایشی سیاسی دارد و شیخ ماهر حمود گرایشی مقاومتی

لبنانی‌ها یک ظرفیت فوق العاده برای اندیشه انقلاب اسلامی بر مبنای تقریب هستند لذا استفاده از این ظرفیت برای نشر اندیشه های تقریبی در جهان اسلام به مراتب بیشتر است. اینها ظرفیت های کلان حوزوی و دانشگاهی ما هستند حضور آقای جبری، بلاد شعبان و... در همایش های کشورهای غیر عربی بیداد می کند بارها دیده ام که در کشورهایی مثل مالزی و روسیه این دوستان غوغا کردند.

ما باید از همه این ظرفیت‌ها استفاده کنیم بزرگترین تهدید در روابط علمایی در کشور لبنان این است که از ظرفیت ها که به آن اشاره شد به درستی استفاده نکنیم، باید تعادل ایجاد بکنیم در برخورد با هر یک از این شخصیت ها که به مثابه یک جزیره مستقل عمل می کنند. هر کدام از این شخصیت ها با داشتن اندیشکده یا موسسه یا مدرسه مذهبی و یا مسجد در حال تلاش برای ایجاد وحدت هستند .

در لبنان بافت منطقه ای حرف اول را میزند به همین دلیل هر کدام از این شخصیت ها یک تعصب جغرافیایی دارند این تعصب جغرافیایی - منطقه ای فراگیر مردمی به اینها وزن می دهد. برای نمونه مردم طرابلس که سنی مذهب هستند هم این وضعیت را دارند و حامی شخصیت های سیاسی و مذهبی خود هستند. اما متأسفانه اکثر این شخصیت ها فعالیت های اقتصادی ندارند و برای انجام فعالیت های سیاسی اجتماعی و مذهبی متکی به کمک های مالی خارجی هستند که بیشتر آن کمک ها از کشور جمهوری اسلامی می رسد و البته این جریان ها یک ارتباط عاطفی و مذهبی با بعضی از کشورهای دیگر از طریق سفارتخانه ها دارند.

در مجموع این جریان ها در یک دایره ای حرکت میکنند که یک دایره مصور نامگذاری شده یعنی اصلاً به غیر از کشورهای همسو اجازه همکاری با کشوری دیگر را ندارند به همین دلیل درخواست می کنند که از رفت و آمد های آنها به کشورهای مختلف حمایت کنیم به این دلیل که تاثیر گذاری آن ها به مراتب از تاثیرگذاری ما بیشتر است.